



دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

عنوان پایان نامه :

آسیب شناسی اجتماعی جامعه‌ی ایران در عصر
صفوی و تاثیر آنها بر سقوط حکومت صفوی

نام و نام خانوادگی دانشجو
محمدعلی جودکی (۸۵۲۴۵۰۳)

استاد راهنما
دکتر هوشنگ جباری

استاد مشاور
دکتر محمدرضا علم

دی ۱۳۸۷

سپاسگزارى

اينك كه به يارى خداوند متعال كار تدوين اين پژوهش پايان يافته، برخود فرض مى‌دانم كه از راهنمايى‌هاى روشنگرانه‌ى استاد فرزانه و مجرب، **جناب دكتور هوشنگ جبارى** كه سمت استاد راهنماى اين پايان نامه را به عهده داشتند و در طول اين مدت با حكمت استادانه و صبر و عطوفت پدرانه‌ى خويش، امكان به سرانجام رسانيدن اين پژوهش را براى اينجانب فراهم نمودند، تقدير و تشكر به عمل آورم. همچنين از زحمات و ارشادات جناب دكتور محمدرضا علم كه سمت استاد مشاور اين پژوهش را به عهده داشتند، كمال تشكر و قدردانى ويژه دارم.

همچنين نگارنده بر ذمه خويش مى‌داند كه از كليده اساتيد محترم گروه تاريخ دانشگاه شهيدچمران اهواز كه در طول اين دوره‌ى تحصيلى از محضر ايشان بهره گرفته ام، همچنين از كليده دوستان و عزيزان دوران تحصيلم و كاركنان و مسئولين محترم كتابخانه‌هاى مركزي دانشگاه تهران، دانشكده‌ى ادبيات و كتابخانه‌هاى عمومي استان‌هاى خوزستان و لرستان و همچنين مديريت محترم خدمات كامپيوترى وليعصر كه زحمت كار تايپ اين پايان‌نامه را به عهده داشتند، مراتب سپاس و قدردانى بي شائبه ي خود را ابراز نمايد.

چکیده فارسی

نام و نام خانوادگی: جودکی	نام: محمدعلی
عنوان پایان نامه: آسیب شناسی اجتماعی جامعه‌ی ایران در عصر صفوی و تاثیر آنها بر سقوط حکومت صفوی	
استاد راهنما: دکتر هوشنگ جباری	استاد مشاور: دکتر محمدرضا علم
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی
محل تحصیل: دانشگاه چمران اهواز	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
کلیدواژه‌ها: حکومت صفوی – آسیب شناسی اجتماعی – اوضاع اجتماعی – انحرافات اجتماعی – زوال اخلاقی.	
چکیده:	
<p>پژوهش حاضر برآن است به آسیب شناسی اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی پرداخته و سهم این آسیبها را در سقوط حکومت صفوی روشن نماید. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، علیرغم اینکه جامعه ایران در عصر صفوی صبغه ای مذهبی داشته، اما با آسیبها و انحرافات اجتماعی زیادی نظیر، خرافه گرایی، رشوه خواری، انحرافات جنسی، تکدی گری، اعتیاد، کشاکش‌های قومی- مذهبی و غیره روبرو بوده است. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر صفوی و دگرگونی در ساختار اجتماعی جامعه ایران در ایندوره، زمینه ساز بروز برخی از انحرافات اجتماعی بوده است. نارسایی در ساخت و کارکرد نظام اجتماعی این عصر، در حوزه‌های مختلف سهم بسزایی در بروز و گسترش آسیبهای اجتماعی داشته است. در حوزه ی اجتماعی و فرهنگی، تنوع گروههای قومی و مذهبی، خاص گرایی اجتماعی، ضعف اخلاق عمومی و احساس محرومیت نسبی برخی از گروههای اجتماعی ایندوره، در حوزه ی سیاسی، سلطه ی عنصر سیاسی بر سایر عناصر جامعه و استبداد و زورمداری و نابرابری در توزیع فرصتها، بیکاری و غیره در حوزه ی اقتصادی نقشی تعیین کننده در بروز و گسترش آسیبهای اجتماعی در جامعه عصر صفوی داشته است. گسترش آسیبها و انحرافات اجتماعی بویژه در ثلث آخر حکومت صفوی، سقوط اخلاقی بی سابقه ای را در جامعه بوجود آورد. فساد اداری و رشوه خواری در میان درباریان و صاحب منصبان حکومت صفوی، زمینه ی ناکارآمدی و عدم شایسته سالاری را در دیوانسالاری و سایر نهادهای اجرایی دولت صفوی فراهم نمود. تعارضات و کشاکش‌های قومی- مذهبی و روحیه فرقه گرایی و حس رقابت به حسن اداره ی امور کشور، موجبات ناکامی و سقوط صفویان را در برابر هجوم افاغنه فراهم نمود.</p>	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	یک
مقدمه.....	۱
نقد و بررسی منابع و مآخذ.....	۵
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱-۱: بیان مسئله.....	۲۰
۲-۱: سوالات تحقیق.....	۲۰
۳-۱: فرضیه های تحقیق.....	۲۱
۴-۱: تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع.....	۲۲
۵-۱: روش تحقیق.....	۲۷
۶-۱: اهداف تحقیق.....	۲۸
۷-۱: فایده ی پژوهش و اهمیت موضوع.....	۲۸
۸-۱: پیشینه ی تحقیق.....	۲۹
۹-۱: حدود ونقطه تمرکز (محدوده زمانی و مکانی تحقیق).....	۳۰
۱۰-۱: سازماندهی تحقیق.....	۳۰
فصل دوم: مبانی نظری پژوهش	
۱-۲: تبیین زیست شناسی انحراف (تبیین جسمانی).....	۳۲
۲-۲: تبیین روان شناختی کجرویهای اجتماعی.....	۳۳
۳-۲: تبیین جامعه شناختی کجرویهای اجتماعی.....	۳۳
۱-۳-۲: نظریه فشار ساختاری.....	۳۳
۲-۳-۲: نظریه انتقال فرهنگی.....	۳۴
۳-۳-۳: نظریه تضاد.....	۳۵
۴-۳-۲: نظریه برچسب.....	۳۵
فصل سوم: نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پیش از تشکیل حکومت صفوی	
۱-۳: اوضاع سیاسی ایران در عصر قراقویونلوها و آق قویونلوها.....	۴۰
۲-۳: اوضاع اجتماعی ایران در عصر قراقویونلوها و آق قویونلوها.....	۴۷
۳-۳: ظهور فرزندان شیخ صفی الدین اردبیلی در صحنه ی سیاسی ایران.....	۵۱
فصل چهارم: ساختار اجتماعی ایران در عصر صفوی	
۱-۴: گروههای حاکم.....	۶۰

- ۶۰ ۱-۱-۴ : طبقه یاقشر ممتاز جامعه
- ۶۲ ۲-۱-۴ : نظامیان
- ۶۶ ۳-۱-۴ : دیوانیان
- ۶۹ ۴-۱-۴ : روحانیون
- ۷۲ ۲-۴ : گروههای غیر حاکم
- ۷۲ ۱-۲-۴ : تجار و بازرگانان
- ۷۳ ۲-۲-۴ : اصناف و پیشه وران
- ۷۵ ۳-۲-۴ : کشاورزان

فصل پنجم: آسیبهای اجتماعی جامعه ی ایران در عصر صفوی

- ۸۰ ۱-۵ : خرافه گرایی
- ۸۸ ۱-۱-۵ : علل و انگیزه های خرافه گرایی
- ۹۰ ۲-۵ : اعتیاد به مواد مخدر
- ۹۱ ۱-۲-۵ : اعتیاد چیست؟ معتاد کیست؟
- ۹۲ ۲-۲-۵ : تریاک
- ۹۵ ۳-۲-۵ : کوکنار
- ۹۶ ۴-۲-۵ : بنگ، چرس
- ۹۷ ۵-۲-۵ : تنباکو، توتون
- ۱۰۰ ۶-۲-۵ : باده گساری
- ۱۰۳ ۷-۲-۵ : علل و انگیزه های اعتیاد به مواد مخدر
- ۱۰۶ ۳-۵ : رشوه گیری
- ۱۰۹ ۱-۳-۵ : علل و عوامل رشوه گیری
- ۱۱۰ ۴-۵ : تکدی گری
- ۱۱۲ ۱-۴-۵ : علل و انگیزه های تکدی گری
- ۱۱۴ ۵-۵ : انحرافات جنسی
- ۱۱۴ ۱-۵-۵ : روسپیگری
- ۱۲۰ ۲-۵-۵ : امرد بازی
- ۱۲۲ ۳-۵-۵ : علل و انگیزه های انحرافات جنسی
- ۱۲۵ ۶-۵ : کشاکش گروههای قومی و مذهبی
- ۱۲۶ ۱-۶-۵ : تعارضات گروههای قومی
- ۱۳۳ ۲-۶-۵ : تعارضات گروههای مذهبی
- ۱۳۸ ۳-۶-۵ : علل و انگیزه های کشاکشهای قومی و مذهبی

فصل ششم: سهم آسیبهای اجتماعی در سقوط حکومت صفوی

- ۱-۶ : رابطه ی آسیبهای اجتماعی با ناکار آمدی حکومت صفوی
- ۱۴۳

۶-۲: افغانه ی غلزائی و شورش بر علیه حکومت صفوی
۱۵۴.....

۶-۳: تاثیر آسیب‌های اجتماعی در ناکامی و سقوط صفویان
در رویارویی با افغانه غلزایی ۱۵۸.....

نتیجه گیری..... ۱۷۳.....

فهرست منابع و مآخذ..... ۱۷۶.....

مقدمه

یکی از مفاهیم پرکاربرد در فرهنگ و ادبیات گفتاری و نوشتاری که امروزه استفاده و استعمال فراوانی یافته است، مفهوم آسیب شناسی اجتماعی است. این مفهوم که در علمی چون، زیست شناسی، زمین شناسی، پزشکی و... رایج بوده در قرن نوزدهم در جامعه شناسی نیز به کار گرفته شده است. آسیب شناسی اجتماعی مطالعه ی خاستگاه بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی همراه با علل و انگیزه پیدایی آنها و نیز شیوه های پیشگیری و درمان این پدیده هاست. با در نظر گرفتن تاثیرات متقابل نیروهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بروز اعمال انحرافی و همچنین تاثیرات متقابل امور و پدیده های اجتماعی در ترقی و انحطاط حکومتها، بدون عنایت به آسیبها و انحرافات اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی، نمی توان روند تحولات تاریخی ایران را در ایندوره ی پراهمیت، بدرستی تبیین نمود.

سوالاتی که در این پژوهش پیشروی ما قرار دارد این است که، چه آسیبها و انحرافات در جامعه ایران در عصر صفوی وجود داشته و دلایل پیدایی این آسیبها چه بوده است؟ نارسایی در خرده نظام های اجتماعی این عصر، در بروز آسیبهای اجتماعی چه نقشی داشته است؟ عملکرد سلاطین و دربار صفوی چه نقشی در بروز و گسترش آسیبهای اجتماعی ایندوره داشته است؟ تغییرات اجتماعی و فرهنگی که در عصر صفوی در ایران بوجود آمد، چه تاثیری در انحرافات و آسیبهای اجتماعی داشته است؟ و در نهایت اینکه، آسیبها و انحرافات اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی چه تاثیری در ناکارآمدی و سقوط نهایی حکومت صفوی داشته اند؟

در این راستا فرض نگارنده برآن است که با تشکیل حکومت صفوی، دگرگونیهایی در عرصه های مختلف اجتماعی در ایران بوجود آمد. این مساله و نارساییهایی که در خرده نظام های مختلف نظام اجتماعی عصر صفوی وجود داشته در بروز و گسترش آسیبهای اجتماعی جامعه ایران در ایندوره موثر بوده است.

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی خواهد بود. نگارنده با استفاده از روش کتابخانه ای ابتدا به گردآوری اطلاعات و داده های مورد نیاز با استفاده از منابع موجود پرداخته و

سپس موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح نموده و می‌کوشد دلایل پیدایی آسیب‌های اجتماعی عصر صفوی و تاثیر انحرافات اجتماعی را در سقوط حکومت صفوی تحلیل و ارزیابی نماید.

هدف اصلی در این پژوهش در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی، یعنی مطالعه و شناسایی آسیب‌های اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی و دلایل پیدایی آنها و همچنین روشن نمودن سهم آسیب‌های اجتماعی ایندوره در سقوط حکومت صفوی است.

با توجه به تاثیرات متقابل پدیده‌ها و امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر یکدیگر، بدون عنایت به شرایط اجتماعی یک جامعه، تبیین تحولات یک دوره ی تاریخی میسر نمی‌شود. جایگاه حکومت صفوی در تاریخ ایران، لزوم توجه هرچه بیشتر به تحولات اجتماعی و سیاسی ایران را در این عصر دوچندان می‌نماید. محدودیت‌ها و خلاء پژوهش در حوزه اجتماعی تاریخ ایران و ضرورت مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، بر اهمیت موضوع این پژوهش افزوده است. آشنایی با تجربه تاریخی جامعه و حکومت صفوی در قبال آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی جامعه عصر خود، شناسایی زمینه‌ها و شرایط بروز آسیب‌های اجتماعی و خاستگاه و ریشه تاریخی برخی از آسیب‌ها و انحرافات در جامعه ی امروز ایران نیز بر فواید موضوع پژوهش حاضر افزوده است.

هرچند که مطالعات محدود و مختصری درباره برخی از ابعاد حیات اجتماعی ایران در دوره ی صفوی صورت گرفته است اما تاکنون هیچ تحقیق جامع و منسجمی به شکل اختصاصی درباره ی آسیب‌های اجتماعی این عصر و سهم این انحرافات در سقوط صفویان از سوی پژوهشگران علوم اجتماعی و تاریخ، انجام نشده است. پژوهش حاضر به بررسی عوامل و زمینه‌های آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی و تاثیر این آسیب‌ها بر سقوط حکومت صفوی در محدوده سالهای ۹۰۷ هـ (تشکیل صفویان) تا سال ۱۱۳۵ هـ یعنی سقوط اصفهان به دست افغانه ی غلزایی در محدوده کشور ایران در آن عصر خواهد پرداخت. اما از آنجایی که پس از سقوط شاه سلطان حسین در سال ۱۱۳۵ هـ افرادی از خاندان صفوی حکومت سایه واری تا سال ۱۱۴۸ هـ (تاجگذاری نادرشاه افشار) در ایران داشته اند، به برخی از رخداد های مرتبط با اهداف این پژوهش در خلال این سالها نیز

توجه خواهد شد. موضوعات مطرح شده در این پژوهش در شش فصل مجزا ارائه خواهد شد. برای تبیین طرح تحقیق، تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع و پیشینه ی تحقیق، فصل اول این پژوهش به کلیات تحقیق اختصاص یافته است. در فصل دوم برای دستیابی به چارچوبی نظری، جهت گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه ی یافته‌های پژوهش، به مبانی نظری پژوهش خواهیم پرداخت. در فصل سوم، به منظور درک و فهم وضعیت ایران قبل از تشکیل حکومت صفوی، نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پیش از تشکیل حکومت صفوی خواهیم داشت. در فصل چهارم، به منظور شناخت طبقات اجتماعی ایران در عصر صفوی، تحولات و دگرگونیهای این ساختار و مناسبات حاکم میان طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی ایران در ایندوره، ساختار اجتماعی ایران در عصر صفوی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در فصل پنجم به طور مشخص به آسیبهای اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی و عوامل پیدایی و بروز این انحرافات خواهیم پرداخت. در فصل ششم، ضمن بررسی ارتباط میان آسیبهای اجتماعی عصر صفوی با ناکارآمدی حکومت صفوی و چگونگی شورش افغانه ی غلزایی بر علیه صفویان، در راستای اهداف پژوهش، سهم آسیبهای اجتماعی را در ناکامی صفویان در رویارویی با افغانه و سقوط نهایی آنان، مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد.

نقد و بررسی منابع وماخذ

عصر صفویه یعنی فاصله زمانی بین قرن دهم و دوازدهم هجری قمری (شانزدهم و هیجدهم میلادی) در مقایسه با ادوار پیش، از نظر منابع تاریخی بویژه تواریخ عمومی از دوره‌های بسیار غنی است. اکثر تواریخ عمومی این دوره، منابع رسمی هستند که به شکلی جانبدارانه به تاریخ صفویه پرداخته اند. مطرح شدن ایران در عصر صفوی به عنوان رقیب امپراتوری عثمانی، علاقه سیاسی و علمی اروپائیان را برای

برقراری ارتباط با صفویان برانگیخته بود. از این روسیاحان متعددی از کشورهای مختلف اروپایی با اهداف متفاوت، سیاسی، اقتصادی، علمی و مذهبی به ایران سفر کردند. این افراد، گزارشات، یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایی از خود به جا گذاشته اند که در بررسی اوضاع ایران در عصر صفویه بویژه اوضاع اجتماعی، از منابع مهم و مفید این دوره به شمار می روند. در این قسمت براساس درجه اعتبار و اهمیت این منابع، چند مورد از آنها را در ذیل منابع تاریخی شامل:

الف) کتب(منابع اصلی)

ب) سفرنامه‌ها، و تحقیقات معاصر، مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

منابع تاریخی

الف) کتب(منابع اصلی)

احسن التواریخ

نویسنده این کتاب حسن بیک روملو در سال ۹۳۷ هـ در شهر قم متولد شد. او در جوانی و در دوران پادشاهی تهماسب اول، وارد سپاهگیری شد و «به محنت قورچیگری گرفتار گردید»^۱. روملو نزدیک به چهل سال از ۹۴۸ تا ۹۸۵ هـ.ق شاهد وقایع دربار صفوی بود.^۲

حسن روملو، کتاب احسن التواریخ را در ۱۲ جلد تالیف کرد ولی تنها جلد ۱۱ و ۱۲ آن باقی مانده و از بقیه ی جلدهای کتاب اثری در دست نیست. جلد یازدهم این کتاب شامل رویدادهای سالهای ۸۰۸ تا ۸۹۹ هـ و جلد دوازدهم آن مشتمل بر وقایع تاریخی است که در فاصله سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ هـ. ق روی داده است. بدین ترتیب احسن التواریخ، تاریخ دو دمانهای قراقویونلو، آق قویونلو و بخش مهم نیاکان صفوی تا آغاز پادشاهی سلطان محمد خدابنده را در بر می گیرد. این کتاب به زبانی ساده نوشته شده است.

مزیت برجسته ی احسن التواریخ در این است که مؤلف، رویدادهای هر سال را جداگانه و زیر عنوان مستقل شرح داده است. این کار کمک ذیقیمتی به پژوهشگران

^۱ - روملو، حسن، احسن التواریخ، به سعی و تصحیح چارلز نورمن سیدن، تهران، کتابخانه صدر، چ اول، ۱۳۴۲ ج ۱۲ صص ۲۹۵.

^۲ - ر. ک: همان منبع صص ۳۰۱.

تاریخ صفوی است تا سال وقوع رویدادهای مختلف را مشخص نمایند. همچنین مؤلف در پایان وقایع هر سال، اطلاعات پر ارزشی درباره‌ی دانشمندان، عالمان دینی و بزرگانی که در آن سال در گذشته اند، بدست می‌دهد. البته در این کتاب، بواسطه‌ی اشتغال مؤلف در منصب قورچیگری، توجه و افری به امور نظامی و شرح جنگها شده است. نویسنده کمتر به شرح اوضاع اجتماعی پرداخته و در بیان شورش توده‌های مردم در برخی از نواحی، از دشنام و ملامت نسبت به آنان خودداری نمی‌کند.^۱ جهت سیاسی این اثر جانبداری از صفویه است. چنانکه مؤلف کتاب خویش را به «ناصر اولیاء امیرالمومنین... اسمعیل میرزا»^۲، پیشکش نموده است. در این پژوهش جلد یازدهم این کتاب، در بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پیش از تشکیل صفویان و جلد دوازدهم در خصوص وقایع عصر شاه تهماسب اول و برخی آسیبهای اجتماعی در این عصر مورد استفاده قرار گرفته است.

تاریخ عالم آرای عباسی

مؤلف این کتاب، اسکندر بیک ترکمان (۱۰۴۳-۹۶۸)، ملقب به منشی، بزرگترین مورخ عصر صفوی می‌باشد. مؤلف از ایل ترکمان آذربایجان بوده و در دوران جوانی «درسلک ارباب قلم و منسوبان دیوان نواب جهانبانی [حمزه میرزا برادر بزرگ شاه عباس اول] انتظام داشت»^۳

اسکندر بیک در بعضی از جنگها به عنوان سپاهی شرکت کرد و خود شاهد بسیاری از رویدادها بوده است. اسکندر بیک در عصر شاه عباس اول درسلک «منشیان عظام»^۴ درآمد. مؤلف در سال ۱۰۲۵ هـ که مصادف با سی امین سال پادشاهی شاه عباس اول بود، کار تألیف

^۱ - ر. ک: روملو، حسن، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ اول، ۱۳۴۹ ج ۱۱. مقدمه صص ۱-۲۷ - همچنین نگاه کنید به: ثواقب، جهانبخش، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چ اول، ۱۳۸۰ ص ۳۴.

^۲ - روملو، همان منبع، ج ۱۲ ص ۱.

^۳ - منشی ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح و مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر با شرکت کتابفروشی تایید اصفهان، چ دوم، ۱۳۵۰، ج اول ص ۳۳۶.

^۴ - همان منبع، ص ۲.

تاریخ عالم آرای عباسی را در سه جلد آغاز کرد. جلد اول این کتاب، درباره ی نیاکان صفوی و شاهان پیش از شاه عباس اول، جلد دوم مربوط به رویدادهای سی سال اول پادشاهی شاه عباس اول و جلد سوم درباره رویدادهای سالهای آخر پادشاهی شاه عباس تا زمان مرگ او در ۱۰۳۸ هـ است. نثر کتاب جز در دیباچه‌ها، سرفصل‌ها و برخی توصیف‌ها، ساده متمایل به تصنع است. جلد دوم و سوم کتاب، بواسطه ی حضور مؤلف در برخی از رخدادهای و بویژه دسترسی به اسناد و بایگانی حکومت صفوی، از اعتبار ویژه ای برخوردار است. اسکندر بیک علاوه به شرح جنگ‌ها و حوادث سیاسی معاصر خویش آگاهی‌هایی از زندگی اربابان قلم را بدست می دهد. مؤلف به هواداری از صفویان قلم می زند و در جای جای کتاب شاه عباس اول را «حضرت اعلی شاهي ظل الهي» می خواند. اسکندر بیک در تاریخ خویش بیشتر به مسائل سیاسی و نظامی، ذکر اربابان مناصب و... پرداخته و کمتر به موضوعات اجتماعی عصر خود توجه نموده است. از مطالب این کتاب در تبیین حوادث عصر شاه عباس اول و بویژه کشاکش‌های قومی و تعارض میان طبقه نظامی این عصر، استفاده شده است.

تذکره شاه تهماسب

این اثر یادداشت‌هایی است از حوادث و رخدادهای حکومت شاه تهماسب اول که به وی نسبت داده شده است. در این تذکره شرح حال شاه تهماسب اول از جلوسش در ۹۳۰ تا سال ۹۶۹، مسطور است. این اثر علیرغم حجم کم از چند نظر حائز اهمیت است؛ نخست آنکه، این اثر به قلم یکی از پادشاهان صفوی است و ما می توانیم به روحیات، خلیات و اندیشه ی او پی ببریم. دیگر آنکه، تهماسب خود مرجع تصمیم گیری در معرکه رخدادهای و حوادث تاریخی عصر خویش بوده است^۱ تهماسب در این تذکره، برخی از واقعیت‌های تاریخی نظیر، مست بودن سپاهان دورمیش خان استاجلو در جنگ چالدران و درگیری‌های میان سران قزلباش در اوایل حکومتش را به خوبی شرح می دهد.

۱- ر.ک: همان منبع، ج ۲ صص ۹۲-۱۰۸۴ ثواقب همان منبع، صص ۶۲-۶۰.

۲- الصفوی، شاه تهماسب بن اسماعیل حیدری، تذکره شاه تهماسب (۹۸۴-۹۱۰ هـ) با مقدمه امرالله صفری، تهران، انتشارات شرق، ج دوم، ۱۳۶۳، مقدمه صص ۸-۳.

تهماسب در شرح سرکشی سران قزلباش در دهه ی اول سلطنتش، درصدد کتمان ضعف سستی خود، در عدم توانایی جهت مقابله و اقدام جدی علیه قزلباشان، برآمده است. چنانکه سکوت خود را ناشی از مصلحت بینی، در انتظار نشستن تقدیر الهی و عدم تمایل باطنی به سرکوب قزلباشان بیان می کند.^۱

آگاهیهای این اثر، درباره ی نقش سلاطین و دربار صفوی در بروز برخی آسیبهای اجتماعی نظیر خرافه گرایی و همچنین کشاکش میان قبایل قزلباش و حوادث سیاسی- اجتماعی عصر شاه تهماسب اول مورد توجه قرار گرفته است.

تذکره صفویه کرمان

این کتاب اگرچه در زمره ی تواریخ محلی عصر صفویه به شمار می رود اما یکی از منابع مهم تاریخ روزگار صفویه است. مؤلف کتاب میر محمد سعید مشیزی (بردسیری)، از فضای کرمان، است. مولف به مانند رجالی از خاندان خود که در امور دیوانی شهر کرمان اشتغال داشته اند، حدود پنجاه سال جزو منشیان و مستوفیان حکام و وزراء صفویه در کرمان بوده و مدتی نیز در اصفهان گذرانده است. چنان می نماید که مؤلف، نگارش تاریخ کرمان را در آغاز عصر صفوی شروع نموده لیکن قسمت اولیه ی کتاب در دسترس نیست و آنچه باقی مانده مربوط به پس از حکومت گنجعلیخان و علیمردانخان است. بیشتر قسمت های کتاب در فاصله سالها ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۴ تحریر شده است. مؤلف در بعضی جاها، تعبیرات مشکل، مغلق و دور از ذهن به کار برده است. این شیوه در آغاز فصلها و توصیف نوروژ و شروع سال جدید بیشتر دیده می شود.^۲ بردسیری به شکلی صریح از انحرافات اخلاقی و فساد صاحب منصبان شهرهای مختلف کرمان همچنین بدرفتاری با زرتشتیان کرمان، پرده بر می دارد.^۳

۱- ر.ک: الصفوی، همان منبع صص ۱۰-۹ و ۲۵-۱۵.

۲- در این زمینه ر.ک: مشیزی (بردسیری)، میر محمد سعید، تذکره صفویه کرمان، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم، چ اول ۱۳۶۹ مقدمه صص ۱۶۴-۱۵۲- ثواقب، همان منبع صص ۹-۹۸.

۳- برای نمونه ر.ک: مشیزی (بردسیری) همان منبع صص ۳۴۷، ۵۰-۴۴۸ و ۲-۶۶۱.

اما به نظر می‌رسد قضاوت و ناخرسندی مؤلف از حضور کردها و گرجیان در اداره‌ی امور کرمان، از تعصبات قومی او ناشی شده باشد. این کتاب حاوی اطاعات ارزشمند قابل استفاده‌ی درباره‌ی اوضاع اجتماعی کرمان، طبقات مردم، سرگرمیها و تفریحات آنان و غیره است. از آنجایی که تصرف شهر کرمان بدست افغانه، سرآغاز سقوط حکومت صفوی به شمار می‌رود، اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی این کتاب در خصوص عوامل آسیب‌پذیری کرمان، برای پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ی دارد.

زبدة التواریخ

زبدة التواریخ نوشته‌ی محمد محسن مستوفی، تاریخی عمومی است که مطالب آن مانند دیگر تاریخ‌های عمومی از حضرت آدم (ع) شروع می‌شود و تا عصر مؤلف ادامه می‌یابد. مطالب کتاب در دوره‌ی صفویه به ویژه در عصر نویسنده یعنی سلطنت شاه سلطان حسین و پایان رسمی حکومت صفوی تفصیل بیشتری می‌گیرد. اطلاعات موجود درباره‌ی شرح حال محمد محسن مستوفی بسیار اندک است. مؤلف ابتدا در خدمت محمد آقای خواجه، ناظر مسجد جامع مشهد بوده و سپس به همراه وی به اصفهان آمده و به دربار شاه سلطان حسین راه یافت. محمد محسن به هنگام محاصره‌ی اصفهان توسط افغانه در این شهر به سر می‌برده و از طرف دربار مأموریت داشته تا انبارها و خانه‌هایی که مظنون به داشتن آذوقه بودند را جستجو نماید و هرچه از آنها به دست بیاید بین سرکار پادشاهی «و سر کار خاصه» و... تقسیم کند. مؤلف کتاب خود را در سال ۱۱۵۱ (یا ۱۱۵۴) به فرمان رضا قلی میرزا، ولیعهد نادرشاه، نوشته است. مؤلف شاهد بسیاری از وقایع اواخر حکومت صفوی در عصر شاه سلطان حسین، شاه طهماسب دوم و شاه عباس سوم بوده و یا اینکه از منابع موثق شنیده است.

براین اساس زبدة التواریخ جز منابع دسته اول برای اواخر حکومت صفوی به شمار می‌رود.^۱ باتوجه به اینکه مؤلف کتاب خود را در زمانی می‌نویسد که حکومت صفوی سقوط کرده است، بنابراین بدون هیچ‌گونه تعلق خاطر به صفویان، با صراحت به تشریح اوضاع دربار صفوی در

۱- ر. ک: مستوفی، محمد محسن، زبدة التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، چ اول، ۱۳۷۵ مقدمه صص ۱۳-۱.

اواخر این حکومت و فساد و تباهی هیأت حاکمه و شخص شاه سلطان حسین و غیره می پردازد. هرچند مستوفی ساده اندیشانه، عامل سقوط حکومت صفوی را، ضرب سکه از قنادیل امام رضا (ع) در سال ۱۱۲۶/۱۷۱۴ م و تقدیر الهی دانسته است.^۱ اما قضاوت او در مورد اشخاص و اقوام در شرح حوادث منصفانه به نظر می‌رسد. مستوفی امنیت و رفاه ایران در عصر صفوی را پیش از دوران زوال آنان می‌ستاید.^۲

مؤلف همچنین از ستایش مقاومت دلیرانه ی گرجیان در نبرد گلون آباد چشم پوشی نکرده است^۳ اما خیانت آرامنه و عدم همراهی آنها با ایرانیان را در سقوط اصفهان مورد نکوهش قرار می‌دهد.^۴ البته مؤلف در ذکر سال وقوع برخی رخدادها به خطا رفته است. در این پژوهش از اطلاعات و آگاهی‌های زبده التواریخ در بررسی تأثیر آسیب‌های اجتماعی عصر صفوی در ناکارآمدی حکومت صفوی، ناکامی در جنگ گلون آباد و سقوط اصفهان استفاده گردیده است.

رستم التواریخ

مؤلف این کتاب، محمدهاشم از اهالی اصفهان است که به آصف تخلص می‌کرده و به لقب رستم الحکما اشتهار داشته است. رستم التواریخ در خلال سالهای ۱۱۹۳ تا ۱۲۴۷ هـ. ق نوشته شده و شامل رویدادها و حوادث عصر شاه سلطان حسین صفوی تا اواسط پادشاهی فتحعلیشاه قاجار است.^۵ فایده و اهمیت رستم التواریخ در این است که این کتاب صرف نظر از شمول وقایع تاریخی، اطلاعات ارزشمندی درباره ی وضع زندگی اجتماعی و اخلاق عمومی مردم در اواخر حکومت صفوی تا عصر مؤلف را بدست می‌دهد. مورخ چنانکه خود نقل میکند هرچه از وقایع را

۱- ر. ک: همان منبع صص ۱۹-۱۱۸ و ۱۲۹.

۲- همان منبع ص ۱۱۳.

۳- ر. ک: همان منبع صص ۳۱-۱۲۹ - بر پایه ی بررسی‌های لکه‌هارت، دفتر وقایع ثبت گمبرون و سایر منابع، صحت بیان مستوفی را تایید می‌کند. ر. ک: لکه‌هارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، مروارید، چ سوم، ۱۳۶۸ ص ۵۵۷.

۴- ر. ک: همان منبع ص ۱۳۰.

۵- ر. ک: آصف (رستم الحما)، محمدهاشم، رستم التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۵۲ مقدمه صص ۴-۳.

به چشم خود دیده و یا از «والد و عم» خود شنیده را به دور از کلمات مخلقه و نزدیک به فهم عوام حکایت کرده است.^۱ رستم الحکما در نقل بعضی از وقایع و رخدادها و سرگذشت برخی افراد و اشخاص، بی طرفی را نادیده گرفته و یا اینکه به راه خطا رفته است. چنانکه بگونه ای جانبدارانه پدرش را پیشگو معرفی نموده و مقاومت قاجارها را به هنگام حمله ی محمود افغان به اصفهان بزرگ جلوه می دهد.^۲ مؤلف به اشتباه ناپلئون بنا پارت را پادشاه «انگلیز» دانسته است.^۳ رستم الحکما در نقل وقایع گاهی دچار تناقض گویی شده است. چنانکه پس از توصیف شخصیت شاه سلطان حسین و فساد اخلاقی او، سلطان صفوی را «خلاصه ملوک نیکوسلوک» و با حیا معرفی می نماید.^۴

نویسنده همچنین در پاره ای از موارد از به کار بردن الفاظ و اشعار رکیک در کتاب خود، خودداری ننموده است.^۵ اما با این وجود، مورخ اطلاعات ارزشمندی ارزشمندی درباره ی رواج انحرافات اجتماعی در میان امراء، درباریان و هیأت حاکمه صفوی و همچنین تعارضات و تعصبات مذهبی و دیگر آگاهی‌هایی اجتماعی بدست می دهد، که این اثر را در خور توجه این بررسی قرار داده است.

(ب) سفرنامه‌ها

سیاحان متعددی که از کشورهای مختلف اروپایی با اهداف متفاوت به ایران سفر کردند هر کدام گزارش‌ها، یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایی از خود به جا گذاشته اند که درباره ی اوضاع ایران در عصر صفوی (بویژه اوضاع اجتماعی) اطلاعات و آگاهی‌های ارزشمندی را ارائه می دهند. در این قسمت به نقد و بررسی چند سفرنامه ی مهم این عصر خواهیم پرداخت.

۱ - آصف (رستم الحکما)، همان منبع صص ۵۸ و ۶۳.

۲ - همان منبع صص ۶۱ و ۱۳۹.

۳ - همان منبع ص ۲۲.

۴ - همان منبع، صص ۷۶ و ۸۵.

۵ - ر. ک: همان منبع، صص ۱۱۰-۱۰۸.

سفرنامه تاورنیه

ژان باپتیست تاورنیه* در ۱۰۱۴/۱۶۰۵ م در پاریس متولد شد. وی عمری را در کار تجارت گذراند و چندین بار به مشرق از جمله عثمانی، ایران و هند مسافرت کرد. تاورنیه در فاصله سالهای ۱۶۳۱ تا ۱۶۶۸ م شش بار به ایران سفر کرده است. تاورنیه دوبار در سالهای ۱۰۴۱ و ۱۰۴۹ در عصر شاه صفی از ایران دیدن نموده و در سلطنت شاه عباس دوم نیز در طول ده سال (۱۰۶۵ تا ۱۰۷۵) مسافرت‌هایی به ایران داشته است.

تاورنیه به پاس خدمات خود به کشور فرانسه در برابر جمع آوری اطلاعات فراوان، از لوئی چهاردهم لقب شوالیه و عنوان نجیب زادگی گرفت. وی در سال ۱۱۰۱/۱۶۸۹ م بار دیگر قصد مسافرت به ایران را داشت که در مسکو درگذشت. تاورنیه در سفرنامه‌ی خود اطلاعات سودمندی درباره‌ی اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در عصر صفوی بدست می‌دهد. او مبسوط‌ترین نقشه‌ی جغرافیایی دوران صفوی را ارائه داده و ما را با جغرافیایی اقتصادی و سیاسی آن عصر، آشنا می‌نماید.^۱

سفرنامه‌ی تاورنیه مشتمل بر پنج کتاب است که از کتاب چهارم و پنجم این سفرنامه اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی اوضاع اجتماعی ایران در عصر صفوی دریافت می‌شود. تاورنیه آنچه را که به چشم خود دیده و یا از دیگران شنیده^۲ با دقت ثبت نموده است. مؤلف در پاره‌ای از موارد، در بیان و توصیف برخی اماکن جغرافیایی، ابنیه‌ی تاریخی، عقاید و آداب و رسوم مردم ایران، دچار اشتباهاتی گردیده است.^۳ تاورنیه گاهی نیز اسیر احساسات و عقاید خود گردیده که این مساله او را از قضاوت منصفانه بازداشته است. چنانکه پس از بیان عقاید زرتشتیان، مذهب آنانرا «مذهب خنده آور»^۴ خوانده است. تاورنیه برخلاف سایر

* Jean Baptiste Tavernier

۱- در این زمینه ر.ک: تاورنیه، ژان باپتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، کتابخانه ابن سینا و تایید اصفهان، چ چهارم، ۱۳۶۹، مقدمه صص د تا ط- ثواقب، همان منبع صص ۸-۲۸۷.

۲- ر. ک: تاورنیه، همان منبع، ص ۶۶۳.

۳- برای نمونه، ر. ک: همان منبع صص ۳۷۸، ۳۸۹ و ۶۵۵.

۴- همان منبع ص ۴۲۹.

سیاحان این عصر، اصفهان را دهکده ای دیده که شباهتی به شهر نداشته است.^۱ علیرغم اینگونه قضاوت‌ها، شرح جالب تاورنیه درباره ی عقاید شیعیان، در باب جهان پس از مرگ و غیره، دقت نظر و کنجکاوی وی را نشان می دهد.^۲ سفرنامه ی تاورنیه، بویژه کتاب چهارم و پنجم آن، دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی از اوضاع اجتماعی ایران نظیر، اقلیت‌های مذهبی، اخلاق عمومی مردم، آداب و رسوم آنان و... در عصر شاه صفی و شاه عباس دوم می باشد. این سیاح، آگاهی‌های ارزشمندی درباره انحرافات اجتماعی این عصر مانند، اعتیاد، باده گساری، روسپیگری و همچنین فساد اخلاقی عباس دوم بدست می دهد که مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است.

سیاحتنامه شاردن

ژان شاردن* در سال ۱۰۵۳/۱۶۴۳ در پاریس متولد شد. پدر شاردن جواهر فروش بود. او نیز بدین شغل دلبستگی پیدا نمود و در سن ۲۲ سالگی برای تجارت روی به مشرق زمین نهاد. شاردن در ۱۰۷۶/۱۶۶۵ از راه استانبول به قزوین و اصفهان سفر کرد. او پس از یک سال و نیم اقامت در اصفهان از ایران خارج شد ولی پس از دو سال دوباره به اصفهان آمد و در عصر شاه عباس دوم لقب تاجر شاهی و عنوان «زرگر دربار شاه» یافت. شاردن در ۱۰۸۱/۱۶۷۰ م به فرانسه بازگشت اما یکسال بعد به ایران عزیمت نمود. این سفر مجدد شاردن ده سال به طول انجامید که وی چهار سال از این مدت را در ایران گذراند. شاردن سرانجام در ۱۱۲۴/۱۷۱۳ در انگلستان درگذشت. سفرنامه شاردن که مشتمل بر ده جلد است را می توان دایره المعارف جامعی از شئون و خصوصیات تمدن ایران دانست.^۳ شاردن چنانکه خود نقل می کند مدت مدیدی را صرف آموختن زبان فارسی کرده و در شناخت ایران دقت زیادی به خرج داده است. وی در این مورد می نویسد: «می توانم بدون هیچگونه اغراقی

۱- ر. ک: همان منبع ص ۴۸۳.

۲- ر. ک: تاورنیه، همان منبع صص ۸-۶۴۷.

* Jean chardin

۳- ر. ک: شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۴۹، جلد اول، مقدمه صص نه تا نوزده، ثواقب همان منبع صص ۳-۲۸۰.

ادعا نمایم که فی المثل با اصفهان بهتر از لندن آشنایی داریم»^۱.

علیرغم این دقت نظر، شاردن گاهی اوقات در بیان اعتقادات و آداب و رسوم مردم ایران تحت تأثیر احساسات و اعتقادات خویش قرار گرفته است.^۲

همچنین مؤلف درپاره ای از مواقع، در بیان برخی از مناصب وابسته به سازمان‌های اداری- نظامی این عصر دچار اشتباه گردیده است. چنانکه قورچی را به معنای «راندن و دورنگه داشتن» دانسته و رئیس الکاتب را «رئیس الکتاب»^۳ پنداشته است. اما با وجود این لغزش‌ها، شاردن را می‌توان بهترین ناظر عهد صفوی به شمار آورد. کنجکاوی و دقت شاردن تا آنجاست که برای آگاهی از اوضاع حرمسرای سلاطین صفوی، از زنان قابله و ماما‌هایی که به اندرون حرم راه داشتند، کسب خبر می‌نماید.^۴ محاسبه‌ی شاردن از میزان مالیات کشور در عصر شاه سلیمان، با رقمی که در تذکره الملوک، از منابع دیوانی و اداری صفویان، ذکر گردیده تفاوت چندانی ندارد.^۵ این مسأله نشانگر دقت و صحت گفتار شاردن در بیان مسائل گوناگون است.

بنابراین داوری شاردن را می‌توان منصفانه و برخوردارش با مسائل مختلف را بی طرفانه دانست. آنچه بر اهمیت سیاحتنامه شاردن برای پژوهش حاضر افزوده است، توجه شاردن به مسائل گوناگون اجتماعی ایران در عصر صفوی است. مؤلف با دقت نظر خاص خود، به بیان آسیب‌های اجتماعی این عصر نظیر، خرافه گرایی، اعتیاد، انحرافات جنسی، رشوه گیری و... پرداخته است.

شاردن به ویژه در جلد چهارم و هشتم اثر خود، اطلاعات دسته اولی از این گونه انحرافات اجتماعی و

^۱ - همان منبع ص ۴.

^۲ - ر. ک: شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۵۰، جلد چهارم صص ۹-۴۸.

^۳ - همان منبع، ج ۸ ص ۲۰۸- قورچی از ریشه ی قور به معنای تیرانداز با کمان است. ر.ک: مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی با تحقیقات و حواشی و تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، کتابفروشی زوار، چ اول، ۱۳۳۴، پاورقی ص ۵۳.

^۴ - همان منبع، ج ۸، ص ۲۳۰.

^۵ - همان منبع ص ۳۸۴.

^۶ - در این زمینه ر.ک: باستانی پاریزی، همان منبع ص ۱۴۰.